KAYNAK: T. Yazıcı-A. N. Tokmak-M. Kanar, ***Eski İran Nesrinden Seçmeler***, **s. 3**

**از کتاب فرج بعد از شدّه**

**حکایت**

دو تن گناهکار را نزد امیری بردند، یکی را دستور قتل داد و دیگری را که شراب خورده بود بفرمود تا تازیانه زنند. موکّلان خواستند که هر دو را از پیش او بیرون برند. آن شخص را که حد فرموده بود باز گشت و گفت: ایها الامیر مرا به دست شخصی دیگر فرمای تا حد بزنند. امیر گفت: چه تفاوت می کند؟ گفت: می ترسم که آن مرد غلط کند و او را از این سخن خنده آمد و بفرمود تا او را رها ساختند.